

نگاهداری طفل هم حق و هم تکلیف ابوبن است  
پدر و مادر نمیتوانند حقی را  
که در سنین مختلف طفل از نظر  
نگهداری به آنها واگذار شده  
از خود سلب کنند  
در صورتیکه تنبیه «طفل» از  
حدود تأدیب خارج نشود و از  
ناحیه شخص متعلقی اعمال  
گردد بلاشکال است

## مرزهای قانون

«برنامه دوم»

نماینده رادیو ایران - شنوندگان عزیز در برنامه امروز مرزهای قانون... بهاءالدین طباطبائی وکیل... دادگستری و همکاران محترم ایشان شرکت دارند بنده از آقای طباطبائی اجازه می‌خواهم پیش از شروع برنامه مطلبی را عرض کنم.

- خواهش میکنم بفرمائید.

- بعد از پخش برنامه اول مرزهای قانون از طرف شنوندگان گرامی این برنامه تلفن‌های پیاپی و بیشماری دریافتید برنامه وترغیب و تشویق گردانندگان به رادیو شده، گرچه انتظار داشتیم این برنامه در توده‌های مردم نفوذ کند چون ما در تنظیم آن از زندگی و مشکلات خود مردم الهام می‌گیریم، اما ابراز احساسات بسیار محبت آمیز شنوندگان رادیو بیش از انتظار ما بود و یکبار دیگر ثابت کرد برنامه‌ای که تازو بود آن از نیازها و مشکلات روزمره مردم و راهنمایی و ارشاد آنها ترکیب پیدا کرده در افکار عمومی پشتوانه معتبر و با ارزشی پیدا خواهد کرد و همین مایه دلگرمی گردانندگان این برنامه است من ضمن سپاسگذاری از شنوندگان رادیو که ما را مورد لطف قرار داده‌اند از... آقای بهاءالدین طباطبائی وکیل... دادگستری و همکاران ایشان که در تنظیم این برنامه ما را یاری می‌فرمایند تشکر میکنم.

- متشکریم، امیدوارم کاری که انجام می‌دهیم برای مردم مفید واقع شود.

- بنده دیروز در دادگستری با یکی از مراجعہ کنندگان گفتگوئی کردم که اگر اجازه بفرمائید اول این نوآرا بشنویم.  
- خواهش میکنم.

— می‌شنویم اگر مناسب بود همان‌را موضوع بحث قرار می‌دهیم.

## « متن نوار رپرتاژ »

س — خانم ممکن است بفرمائید برای چه به دادگستری آمده‌اید؟

ج — من بدادگستری آمده‌ام از شوهرم شکایت کنم که بچه‌ام را دزدیده.

س — خانم چطور ممکن است شوهرتان بچه شما را دزدیده باشد مگر بچه شما بچه او نیست.

ج — چرا... ولی در محضر ضمن تنظیم سند قرار گذاشتیم که خرجی بچه را بدهم و بچه همیشه پیش من باشد، شوهر سابق قمار باز بود شبها دیر بخانه می‌آمد بعضی شبها هم اصلاً نمی‌آمد هرچه داشتم و نداشتم فروخت و در قمار باخت، خیلی بخاطر بچه سعی کردم که با او زندگی کنم نشد، يك حرفهای دیگری هم در کار بود، تا اینکه قرار گذاشتیم طلاق بدهد، هفت ماه پیش طلاقم را گرفتم، چون خیلی به بچه علاقه داشتم و می‌دانستم اگر پیش پدرش باشد مثل او بار می‌آید حاضر شدم مخارج بچه را خودم قبول کنم و در عوض بچه همیشه پیش من باشد.

س — بله؟

ج — این شرط را در سند رسمی نوشتیم بسم پیش من بود. چند روز پیش که از سرکارم آمدم گفتیم گفت پدر بچه آمد بچه را برد که عصر بیاورد دیگر نیاورد با برادرم بر آغش رفتیم گفت بچه را نمی‌دهم برو هر کار دلت می‌خواهد بکن.

س — گفتید بچه‌تان پسر است خانم؟ چند سائش است؟

ج — سه سال و نیم.

— حالا شکایت کرده‌اید خانم؟

س — بله بداد سرا شکایت کرده‌ام گفتند سندت را بیاور، امروز سندم را آورده‌ام.

ج — بله... بسیار متشکرم خانم.

— این گفتگوی با خانم باز هم دنباله دارد؟

— نه خیر دیگر تمام شد.

— بهر حال کافی بود، آنچه در اینجا از گرفتاری این خانم شنیدیم، مسئله «حضانة» طفلشان است که مدعی هستند این حق را شوهرشان بموجب سند رسمی به ایشان واگذار کرده و بعداً با اصطلاحی که خودشان بکار بردند «بچه‌را برده»، بنابراین اگر در این جلسه از «حضانة» و اینکه این حق قابل واگذاری هست یا نیست؟ و اگر سند رسمی در این باره تنظیم شده معتبر است یا نه؟ بحثی بکنم بنظم بی‌فایده نیست.

— بسیار خوبست.

— بنابراین از هم‌کارم آقای... خواهش می‌کنیم مطلب را شروع کنند.

— اصولاً طفلی که متولد میشود به اجتماع تعلق دارد، اجتماع می‌خواهد که

این طفل خوب بشمار برسد، چون اجتماع مجموعه‌ایست از خانواده‌ها و از آنجائی که

طفل طبيعاً در خانواده به وجود می‌آید ، شارع مقدس و قانون‌گذار ، خانواده را مکلف کرده که این وجود جدید را خوب پرورش بدهد.

- مقصودتان ابوين است - بله ؟

- بله مقصود همین است - تا این طفل نیز ، زمانی که بزرگ شد بتواند خودش در آینده يك خانواده دیگری بر واحدهای اجتماع اضافه کند پس همین تکلیف است که در اصطلاح حقوق بنام «حضانة» شناخته شده ... حالا که خانواده تکلیف و وظیفه «حضانة» را پیدا کرد و از طرفی سنت هر انسانی است که بطفل خودش علاقه مند باشد ، از این جهت شارع مقدس و مقنن گفته است که پدر و مادر علاوه بر تکلیف «حضانة» طفل ، حق «حضانة» او را هم دارند و به همین علت است که در قانون ما «حضانة» یعنی نگهداری طفل اینطور تعریف شده : «نگاهداری طفل هم حق و هم تکلیف ابوين است» .

- خیلی متشکرم - حالا که صحبت از این شد که «حضانة» یعنی نگهداری طفل هم حق است و هم تکلیف ابوين است و شاید اگر توضیحی درباره حق و تکلیفشان داده شود بیجا نباشد و اینجا باید از همکار دیگرمان خواهش کنیم در این زمینه توضیحی بفرمایند.

- حق (یعنی حق فردی) ، عبارت از امتیازی است که به آن فرد داده‌اند ، مثل حق مالکیت ، یعنی بموجب حق مالکیت به افراد این امتیاز را داده‌اند که بتوانند ملك را بخرند یا مثلاً حق دارند از خیابان عبور نمایند . این يك حقی است که به افراد داده شده . مثال بهتر و روشن تر ، حق ازدواج است که بفرد فرد افراد داده‌اند ، خاصیت این حق یعنی حق فردی این است که صاحب آن حق هر موقعی که بخواهد و میل واراده بکند میتواند از حق خودش استفاده بکند مثل همین حق ازدواج چه بسا اشخاصی را میشناسیم که در تمام عمرشان ازدواج نکرده‌اند اصولاً نخواستند از این حق خودشان استفاده کنند و کسی هم متعرض آنها نمیشود . نکته در همینجاست که کسی آنها را نمیتواند مجبور بکند که باید حتماً ازدواج بکنند و یا حتماً از خیابان عبور کنند . اما تکلیف درست برعکس حق است یعنی اگر کسی را برایش تکلیف معلوم کرده‌اند یا بهتر بگوئیم مکلف به انجام کاری شد آن شخص مجبور است آن تکلیف را انجام بدهد . در این مورد دیگر نمیتواند بگوید هر وقت دلم خواست تکلیف را انجام میدهم یا اگر دلم نخواست این تکلیف را انجام نمیدهم . اورا مجبور می‌کنند که بتکلیف خودش عمل کند و آن تکلیف را انجام بدهد مثلاً نماز خواندن برای هر فرد مسلمان تکلیفی است که اگر بتکلیف خودش عمل نکند به عقابی که برایش معلوم شده میرسد و نمیتواند بگوید هر وقت دلم خواست نماز میخوانم یا اگر دلم نخواست نماز نمیخوانم . این تکلیف است ، یا مثلاً دادن نفقه از طرف شوهر زن ، این يك تکلیفی است که اگر زن تمکین داشت شوهر باید انجام دهد ، فکر میکنم با توضیح مختصری که دادم کافی باشد .

- متشکرم آقای دکتر - حالا که صحبت از حق بودن «حضانة» شد و همانطور که همکارمان اشاره کردند ، شخص میتواند از حق خودش استفاده بکند و میتواند استفاده نکند ، خوبست به بینیم در مورد «حضانة» هم همینطور است . یعنی شخص میتواند از این حق استفاده نکند و وظیفه‌ای که در این مورد بموده‌اش هست ، ساقط بکند ؟

- نه ؟ ...

- خیلی قاطع فرمودید نه - اگر توضیح هم میفرمودید خیلی متشکر میشدیم.  
- پدر و مادر نمیتوانند حتی را که در سنین مختلف طفل از نظر نگهداری به آنها واگذار شده از خودشان سلب بکنند مثلاً مادر در مورد پسر تا دو سالگی و در مورد دختر تا هفت سالگی مکلف و موظف به تربیت و نگهداری اطفال است ، بنابراین نمیتواند این تکلیف را انجام ندهد .

- مقصودتان این است که حتی اگر در يك دفترخانه اسناد رسمی و بموجب يك سند رسمی هم تمهید بکنند که از این حق استفاده نخواهم کرد ، باز هم ارزشی ندارد - بله ؟

- بله ؟

- بنابراین خواهش میکنم . مثالی هم برای این مطلبی که میفرمائید بزنید .

- مثلاً اگر در زمانیکه قانون این حق و تکلیف «حضانت» را به پدر واگذار کرده در محضر تمهید بشود که بچه‌ها پیش مادرشان باشند با اینحال هر روزی که پدر بخواهد میتواند بچه‌ها را بگیرد و مادر نمیتواند بگوید که چون در محضر تمهید کرده‌ای بچه‌ها باید پیش من باشند .

- متشکرم - در گفتگویی که با این خانم شده بود این خانم گفتند پدر طفل بچه‌ها را برده یا ربوده يك همچو عبارتی را گفتند حالا درست بیادم نیست بهر حال بکار بردن این اصطلاح يك کمی موجب تأمل میشود و اگر یکی دیگر از همکاران در این مورد توضیحی بفرمایند خیلی متشکر میشوم .

- بنظر بنده بکار بردن کلمه «ربودن» یا «دزدی» درباره پدری که طفل خود را برده درست نیست بدلیل این که گفته شده ، طفل خودش را برده درحالی که دزدی وقتی گفته میشود که کسی مال یا طفل دیگری را ربوده و در چنین صورتی است که قانون ربودن طفل را جرم دانسته است .

- متشکرم - خواهش میکنم حالا درباره اصل بحث یعنی «حضانت» اظهار لطف بفرمائید .

- اما بحث درباره «حضانت» این است که قانونگذار برای حمایت از حق پدر یا مادری که نگهداری و تربیت طفل با او است امتناع از تحویل طفل را بداندند حق حضانت ، جرم شناخته .

- مقصودتان این است که پدر و مادری که صاحب حق «حضانت» اطفال هستند .

- بله .

- مقصودتان آنست که پدر و مادر ، اگر طفلشان را بکسی سپردند و بعد خواستند پس بگیرند و آن شخص از پس دادن امتناع کرد ...

لطفاً مثالی بزنید تا موضوع برای مردمی که به رشته حقوق آشنا نیستند روشن تر شود .

- فرض کنیم مادری بمسافرت رفته و پسر سه ساله‌ای هم دارد که نزد پدرش مانده و در اثر يك تصادف ناگواری پدر طفل قبل از مراجعت مادر از مسافرت ، فوت شده و عمه طفل او را برای نگهداری بخانه میبرد بعد از چند ماه ، مادر برمیگردد و از آنجائیکه قانون با فوت پدر ، حق و تکلیف تربیت و نگاهداری طفل را بمعده

مادر منحصر گذاشته بنا بر این مادر حق دارد که طفل خودش را پس بگیرد حالا اگر این شخص (یعنی عمه طفل) حاضر بتحويل طفل نشد ، مادر حق دارد به دادسرا برود و از عمه شکایت کند . جزائاً او را تعقیب میکنند و ضمن اینکه طفل را گرفته و به مادر میدهند بعد از محاکمه از يك ماه تا شش ماه برای آنکسی که از تحويل طفل امتناع کرده حبس معین میکنند . اما بدنیست در اینجا بیک نکته ظریف قانونی هم اشاره کنیم و آن اینکه قانون در این امر چرا مادر را مستثنی کرده ؟ به این توضیح که اگر طفل نزد مادر بوده باشد و بواسطه گذشتن مدت حق «حضانت» مادر ، باز هم مادر حاضر نشود طفل را بکسی که «حضانت» با اوست تحويل بدهد بعلمت عاطفه مادری قانون مادر را از مجازات مستثنی کرده و امتناع او (یعنی مادر) از تحويل طفل ، قابل مجازات نیست .

- خیلی متشکریم ... مقصودتان این است که مادر ، مشمول مجازات مقرر برای کسانی که طفل به آنها سیرده شده و از برگرداندن طفل امتناع میکنند نیست و مادر را نمیشود بخاطر امتناع از تسلیم طفلش به کسی که حق حضانت را دارد - مجازات کرد - بله ؟

- بله همینطور است که میفرمائید .

- یعنی اگر طفلی را بمادر خودش بپسارند در زمانیکه حق «حضانت» با مادر هست مثلاً پسر سه ساله ای را پدر بمادر طفل میسپارد و بعد میخواهد پس بگیرد اگر مادر امتناع کرد . اینچنین مادری مشمول آن ماده ای که فرمودید نیست .  
- اینجا رعایت عواطف مادری شده است .

- بطور کلی قانون ، مادر را از این مجازاتی که برای دیگران پیش بینی شده مستثنی کرده .

- متشکرم حالا که صحبت از استرداد طفل وانتقال ، حق «حضانت» کردیم خوبست به بینیم حق «حضانت» که گفتیم برای مادر نسبت به پسر تا دو سال و نسبت بدختر تا هفت سال است در چه مواردی این حق ، بدیگری منتقل میشود و از همکاران خواهش میکنم در این زمینه اظهار لطف کنند .

- اصولاً مدتی که «حضانت» با مادر هست اگر احیاناً مادر مبتلا بجنون بشود ، دیوانه گردد یا اینکه از شوهرش جدا شده بامرد دیگری ازدواج بکند در اینصورت حق «حضانت» در آن مدتی که بامادر بوده از او سلب میشود یعنی دیگر او حق نگهداری طفل را ندارد و این طفل را بایستی پدر نگهداری بکند البته باز يك مورد دیگری داریم که حق «حضانت» را میشود گفت که ساقط میشود یعنی به اصطلاح حقوقی یکی از موارد سقوط ، حق «حضانت» است و آن اینکه هر گاه پدر و مادر طفلی که «حضانت» طفل را بعهده دارند دچار انحرافات اخلاقی بشوند .  
- مقصودتان انحطاط اخلاقی است - بله ؟

- بله همینطور است - یا اینکه در مواظبت طفل کوتاهی کردند ، قصور نمودند ، مسلم است که سلامت و تربیت اخلاقی طفل بایک خطر بزرگی روبرو میشود اینجاست که قانونگذار دست حمایت بجانب این طفل دراز میکند چون گفتیم که جامعه علاقمند است اطفال ، خوب تربیت شوند و خوب رشد بکنند این وظیفه را بعهده پدر و مادر گذاشته ، در اینصورت یکی از بستگان طفل یا قیم طفل «البته اگر قیم باشد» میتواند از دادگاه تقاضا بکنند برای حضانت و نگهداری این طفل تصمیم

بگیرد البته اتخاذ این تصمیم بسته بنظر دادگاه است که بجه صورتی مسئله نگاهداری این طفلی را که در چنین وضعی قرار گرفته حل بکند .

- متشکرم - حالا اگر موردی باشد این طفلی که پدر و یا مادرش دچار انحطاط اخلاقی شده اند یا مواظبت کامل از او نکرده اند و باید گرفته و بدیگری سپرده شود اگر قیم نداشته باشد و بستگانش این نکته را اعلام بکنند تصور میفرمائید شخص دیگری مکلف است به اینکه از دادگاه این تقاضا را بکند ؟  
- چرا استاد، دادستان هم میتواند .

- خیلی متشکرم تا آنجا که مقدورتان بود موضوع را روشن بیان فرمودید حالا که مسئله جدا شدن طفل از پدر و مادر عنوان شد ، خوبست با توجه بعواطفی که هر پدر و مادر به طفلشان دارند ، کسی هم درباره حق ملاقات طفلی که در اختیار یکی از ابویین هست صحبتی نکنیم و از همکار دیگرمان خواهش میکنم در این زمینه آنچه بنظرشان میرسد بیان بفرمایند .

- این مسئله بسیار مهمی است ، مسئله ملاقات و دیدن بچهها ، مثلاً اگر پدر و مادر یکجا سکونت نداشته باشند آن کسی که بچهها را نگهداری میکند نمیتواند مانع ملاقات آن طرف دیگر (پدر یا مادر) از بچهها بشود و اگر اختلافی پیدا کردند یعنی آن کسی که بچه پیشش هست ، مثلاً پدر نگذاشت مادر ، بچهها را ملاقات بکند مادر میتواند به محکمه مراجعه کند و حتی مکان ملاقات و زمان ملاقات را محکمه تعیین میکند و پدر را ملزم به اجرای حکم محکمه میکند مثلاً چه روزهایی ، در چه مکانی میتوانی بروی فرزندت را ملاقات کنی .

- خیلی متشکرم - یعنی اگر یکی از ابویین که طفل نزد او هست مانع دیگری شد ، آن کسی که میخواهد طفل را ملاقات کند از دادگاه تقاضا میکند و دادگاه متناسب با اوضاع و احوال ، زمان و مکان ملاقات را تعیین میکند . یک نکته ای که این روزها گریبانگیر بسیاری از خانواده هاست و متأسفانه کم کم متداول شده مسئله امتناع مادر از دادن شیر به بچه اش میباشد و اگر همکارمان لطف بکنند و در این باره صحبتی بفرمایند خیلی متشکرم میشویم .

- عرض کنم ، گذشته از اینکه عواطف انسانی هر مادر حکم میکند که طبق سنت طبیعت به بچه خودش شیر بدهد لوفرض که در قانون هم تکلیفی معین نشده باشد چون ما هم از نظام طبیعت برکنار نیستیم بنا بر این عواطف مادری ایجاب میکند که این مادر بچه خودش را شیر بدهد .

- مستحضرد که خوشبختانه قانون هم در این زمینه تکلیف را روشن کرده

- بله اگر اجازه بفرمائید - عرض میکنم .

- خواهش میکنم بفرمائید .

- اگر واقعاً غیر از شیر مادر غذای دیگری برای بچه سازگار نباشد ، اینجا

میخواهم عرض کنم که مادر مجبور است .

- یعنی قانوناً مکلف است که بچه اش را شیر بدهد .

- بله قانوناً مکلف است که به بچه خودش شیر بدهد یا بستی خانمها در این مورد

توجه داشته باشند .

- خیلی متشکرم - حالا که بحث ما درباره «حضانت» است یعنی نگاهداری

و تربیت طفل و اینکه ابویین هم حق دارند و هم تکلیف که طفلشان را نگهدارند يك

مسئله‌ای مطرح میشود و آن اینست که برای تربیت طفل گاهی ایجاب میکند يك تنبیهی هم از طفل بشود به بینیم حالا ...

- اجازه میفرمائید عرض کنم ؟

- خواهش میکنم بفرمائید .

- البته از نظر تربیت طفل این يك مسئله مهمی است چون وقتی حق و تکلیف برای پدر و مادر معین شد از تکالیف مهم پدر و مادر در موقع «حضانت» مسئله تربیت طفل است بطوریکه قانون دستور داده تا آنجا که توانائی دارند در اینخصوص کوشش بکنند و حتی گاهی پدر یا مادر درخصوص این مسؤلیت مؤاخذه هم میشوند .

- یعنی اگر قصور بکنند - بله ؟

- بله همینطور است اگر قصور بکنند . من خاطر می‌آید يك روزی در محکمه دیدم که پدری را آورده بودند و البته محکمه خلاف بود جریمه میکنند پرسیدم چه کاری کرده گفتند پسرش در کوچه به این و آن فحش میداده و هیاهو میکرده بعلمت اینکه نقصی در تربیت طفل دیده شده . قانون امر کرده که ما پدر را مؤاخذه بکنیم باین جهت است که قانونگذار آمده تنبیه را در اختیار پدر یا مادر گذاشته ولی بشرط آنکه این تنبیه از حدود تأدیب خارج نشود .

- خیلی متشکرم نتیجتاً تنبیه طفل بسقداری که ضرورت ایجاب میکند و تا حدی که صدمه‌ای بطفل نرساند اگر بمصلحت طفل باشد و از ناحیه شخص متعلقی اعمال بشود بی اشکال است .

مطلب روشن شد که این خانم یا ادعائی که کرده اند شوهرشان به ایشان سند داده و از حق «حضانت» خودش بنفع ایشان صرف نظر کرده و حالاً مدعی هستند باید طفل را بایشان برگردانند متأسفانه با توضیحی که در این جلسه داده شد به نتیجه نمیرسند یعنی با فرض اینکه سند رسمی در این مورد تنظیم شده باشد چون خلاف قانون است این سند مؤثر نیست و نتیجه‌ای نمیبخشد ولی من گمان نمیکنم سند رسمی در این مورد تنظیم شده باشد چرا که سردفتر آن مکلفند اسنادی را تنظیم کنند که مفادش مخالف قانون و مخالف اصول حقوقی نباشد و اگر احیاناً سردفتری این خطا را کرده باشد مطمئناً هم سند اعتباری نخواهد داشت یعنی قابل ابطال در محکمه است و هم آن سردفتر قابل تعقیب انتظامی است .

پایان

## سئوال و جواب حقوقی

سئوال - آقای عسکری تهران ضمن اشاره به سئوال و جواب برنامه گذشته در مورد سئوال آقای مهندس یاسری درباره عبور مجری از ملك غیر از جناب آقای بهاءالدین طباطبائی وکیل دانشمند دادگستری خواهش میکنم اولاً توضیح فرمایند که نام این حق از کداميك از حقوق مدنی است ؟ ثانیاً چنانچه این حق در اسناد مالکیت هیچیک از طرفین قید نشده باشد و متقاضی فعلاً بخواهد چنین حقی را برای خودش تحصیل کند دادگاه طبق کداميك از

مواد قانونی میتواند مالک را مجبور بفروش مجرای آب به متقاضی کند و در پایان نامه نیز خواسته اند که در سؤال و جواب حقوقی مواد قانون مربوط به موضوع مورد بحث ذکر شود ...

**جواب-** این نحوه سؤال یعنی اینکه این حق از کدامیک از انواع حقوق مدنی است، خیلی روشن نیست چرا که حقوق مدنی احصاء نشده و حقوق بر شمرده ای نیست. شاید ذهن این سؤال کننده محترم متوجه حق ارتفاق شده یعنی خواسته اند از قوانین مدنی قالبی برای این نوع حق پیدا کنند. بهر حال در جواب ایشان باید بگوئیم که نوع حق، یعنی حق عبور مجری از ملک مجاور برای زراعت، یک نوع حقی است نزدیک بحق ارتفاق منتهی با خصائص خودش، زیرا که بموجب قانون خاصی ایجاد شده و در مبحث حق ارتفاق که کلیات مسائل مربوط به حق ارتفاق مطرح است یک تفاوتی با این حق هست ولی بهر حال نزدیکترین عنوانی که میشود برای این حق پیدا کرد، همان حق ارتفاق است. و اما اینکه گفته اند: «اگر این حق در اسناد مالکیت طرفین قید نشده باشد چه خواهد شد؟ باید بگوئیم که این نکته تأثیری ندارد زیرا بعد از اینکه حقی پیدا شد و بوجود آمد (اگر از مواردش باشد) در سند مالکیت قید میشود و عدم قید حق در سند مالکیت اصل حق را از بین نمیبرد و بلکه میشود حقی وجود داشته باشد ولی هنوز در سند مالکیت قید نشده باشد. یا اساساً در سند مالکیت قید نشود. در مورد اینکه سؤال نموده اند: کدامیک از مواد قانون مستند این حق است باید یادآور کنیم: قانون قنوت مصوب شهریور ۱۳۰۹ مورد استناد است و مخصوصاً ماده ۴ و ۶ آن صراحت دارد.

در خاتمه توجه ایشان را به این نکته جلب میکنیم که هدف اصلی از این برنامه بیان حقوق بزبان ساده است نه قانون بزبان ساده ... و چه بسا از مطالبی را که ما عنوان میکنیم که غیر از اهل فن نمیدانند که ماده قانون صریح و روشنی نداشته بلکه مستنبط از چندین ماده یا از چندین قانون و یا اصول حقوقی است و غرض ما هم همین است که پس از استخراج و استنباط مسائل، موارد ابتهای مردم را بزبانی که برای همه قابل فهم باشد بیان کنیم و گرنه اشاره بماده قانون یا راهنمایی مردم بقانون کاریست که همه کس میتواند بکند بخصوص که قوانین در اختیار همه کس هست منتهی ممکن است یک فرد عادی (غیر اهل فن) قانون را بخواند و از قانون چیزی بفهمد که احیاناً حتی خلاف مقصود و منظور باشد.

**جواب-** یک ماده قانون ربط دارد با سایر مواد قانون و احیاناً قوانین دیگر، و در بسیاری از موارد باید با اصول حقوقی تلفیق شود تا نتیجه گرفته شود.

**سؤال-** آقای حسینعلی شیخ الملوکی از ملایر می نویسد سندی برخلاف قانون تنظیم شده دادگاه هم باین سند ترتیب اثر داده است. تا مادامیکه در مورد این ادعا مدرکی ارائه نفرمایند نمیتوان اظهار نظر



کرد که سندی برخلاف قانون تنظیم شده و یا آن سند به چه علت در محاکم قابل اعتبار و یا قابل ترتیب اثر ندادن، میباشد یا میتوان آن سند را از اعتبار انداخت.

**سؤال -** آقای علی اکبر - م نامه‌ای بانضمام هفت قطعه عکس از تهران ارسال داشته و مینویسند جناب آقای طباطبائی شما که مردم را بحقوق مادیشان آشنا میکنید که البته این بجای خود خدمت شایسته است، آیا در فکر حقوق معنوی و اخلاقی آنها هم هستید یا نه، اگر پاسخ مثبت است من هفت قطعه عکس که دیدنش هر بیننده باعثی را متأثر میسازد بضمیمه این نامه میفرستم این عکسها را از لای کتابچه دختر پانزده ساله ام بیرون کشیده ام که وقتی او را مؤاخذه کردم و پرسیدم از کجا تهیه کرده‌ای گفت در خیابان شاه آباد از فروشندگانه دوره گردی خریده ام در این باره بیش از این وقت شمارا نمیگیرم و میپرسم آقایان حقوقدانان این عمل جرم هست یا نه؟ و اگر من بخواهم فروشنده این عکسها را تعقیب کنم حاضرید بمن کمک نمایید یا نه؟

**جواب -** عکسهائی که بضمیمه نامه فرستاده اید واقعاً شرم آور است ما برای حقوق معنوی مردم هم ب فکر طرح و نقشه صحیحی هستیم و انشاء الله در آینده نزدیک بصورتی که شایسته و ممکن باشد عمل خواهیم کرد و اکنون هم هر کمکی که از ما ساخته باشد بطور قطع انجام میدهم زیرا این عکسها حقاً متناسب با عادات و رسوم اجتماعی ما نیست شاید اینگونه تصاویر در دیار دیگران و آنجائیکه تهیه میشود وجودش مهم نباشد ولی در اجتماع ما با توجه به معتقدات مذهبی و مخصوصاً منهیات شرع مقدس اسلام و سایر شرائطی که در جامعه ما حکمفرماست انصافاً تهیه و نشر این عکسها و نظائرش جرم و خطاست و باید جلوگیری بشود مخصوصاً نوجوانان ما، در زمان فعلی، در یک دوران تحولی بسر میبرند که برای پیروی از انگیزه‌های شهوتشان آمادگی شدیدی دارند.

در اینکه فروش این عکسها جرم است تردیدی نیست و ماده ۲۱۳ قانون مجازات برای همین جرمها وضع شده و بدون تردید تهیه، خرید و فروش و انتشار و خلاصه در اختیار مردم گذاردن اینطور عکسها و حتی فیلمهای منافی عفت جرم است و قابل مجازات ... و حتی مقنن برای مرتکبین اینگونه اعمال مجازات جنبه بزرگ مقرر داشته است.

متأسفانه چون فروشنده دوره گرد بوده و مشخص نیست نمیتوان او را تعقیب کرد زیرا اشکال در این نکته است که چه کسی را تعقیب بکنید.